گرانبهاترین نسخه‏ای که از کلیله و دمنه در دست است، نسخه منحصر به فردی به زبان سریانی(آشوری)است که دستنویسی از آن در بخش کتب السنه شرقی کتابخانه دانشگاه گوتینگن 1 آلمان نگهداری و محافظت می‏شود 2 .این نسخه نفیس توسط یک اسقف آشوری ایرانی به نام پریودت بود 3 که ظاهرا سرپست مسیحیان امپراتوری ایران و هند بوده تهیه و ترجمه گردیده و دانشمندان و محققان اروپایی از طریق نوشته‏های عبد ایشوع 4 -که خود وی از اساقفه کلیسای شرق آشوری و از مؤلفان و مترجمان بنام قرون وسطی است به وجود ترجمه سریانی کلیله و دمنه و مترجم آن(پریودت بود)پی بردند 5 .

گوستا و بیکل 6 دانشمند آلمانی همراه با تئودور بنفی، دوست و همکار و هموطنش، از مدتها پیش مطالعاتی درباره کلیله و دمنه داشتند و چون بر فهرست مجموعه کتب سریانی عبد ایشوع، همچون دانشمند بزرگ فرانسوی، بارون سیلوستر دوساسی 8 دسترسی یافته بودند، لذا آنان نیز با نام پریودت بود و آثار قلمی اش آشنایی داشتند، و برای یافتن ترجمه سریانی کلیله ودمنه در میان کتب هندی به جستجو برخاستند، ولی کمتر یافتند.تا اینکه بر سبیل اتفاق، موضوعی پیش آمد که ماکس مولر 9 انگلیسی طی مقاله‏ای آن را شرح داده است.ماجرایی که منجر به کشف و دستیابی تنها نسخه سریانی موجود در جهان گردید، داستانی شیرین و شنیدنی دارد که اینک به نقل آن می‏پردازیم 10 :

آقای تئودور بنفی اطلاع یافت که دوست و شاگرد قدیمیش آلبرت سوسین 11 سوئیسی به قصد مطالعه و دستیابی به کتب و آثار قدیمه عازم سفر خاورمیانه است.بنفی طی نامه‏های متعددی که برای سوسین نوشت از وی تقاضا نمود، چنانچه حین مأموریت، نسخی از کلیله و دمنه به زبان سریانی مشاهده نمود، در به دست آوردن آن از هیچ کوششی دریغ نورزد 12 .

بدین منظور در بهار سال 1868 م، سوسین به شهرهای محل شکونت آشوریها سرزد؛از جمله به شهر ماردین 13 -که در ترکیه قرار دارد-رسید و به کتابخانه دیر الزعفران-که صومعه‏ای است در میان کوهستانهای حوالی شهر-سرکشی نمود.صدها مجله از کتب خطی نایابی را، که جملگی درباره مسیح و مسیحیت به رشته تحریر کشیده شده بودند، مشاهده نمود و چون مطلوب خود را نیافت، با راهنمایی راهبان صومعه مزبور به کلیسای کاتولیکهای شهر مراجعه نمود و از کشیشان مقیم کلیسا سؤال کرد:«آیا کتب غیر دینی و فلسفی و مانند آن در کتابخانه کلیسا یافت می‏شود؟»کشیشی که آنجا حضور داشت به علامت تصدیق سر خود را پایین آورد و بی آنکه کلامی بگوید، به خزانه رفت و تنها کتاب غیر دینی موجود در آن را آورده، در مقابل سوسین نهاد. سوسین با اوّلین نگاه دریافت آنچه را که می‏خواسته، یافته است؛زیرا کلمات کلیله و دمنه، با قلم قرمز و واضع و مشخص تحریر شده بود.هیچانی عظیم بر وجود سوسین مستولی گشت اما خیلی زود بر احساس درونی خود غلبه کرد و بی آنکه مطلبی بگوید به محل سکونت خود، در تأسیسات مبلّغان مدهبی آمریکایی، مراجعت نمود.به کمک همین مبلّغان و با وساطت و ضمانت فردی محترم از اهالی شهر، کتاب را به عاریت گرفت و با فراغ خاطر به بررسی و مطالعه آن پرداخت.سوسین بدون فوت وقت خطاط ماهری استخدام نمود تا از آن نسخه نفیس رونویسی کند.طولی نکشید که نسخه جدید آماده گردید و پس از چندی در اختیار پروفسور بنفی قرار گرفت.[به زودی‏]خواهیم دید که چگونه بنفی به اتفاق آقای بیکل دست به انتشار آن زده است.

**ترجمه کلیله و دمنه به زبان پهلوی پارسی**

می‏گویند، به یکی از شاهان ایران، به نام انوشیروان، اطلاع داده شد که در خزاین امرای هند کتابی است، در باب تعلیم و آموزش سیاست به شاهزادگان و درباریان، مطالب حکمت آمیز کتاب، از زبان جانوران و مرغان بیان شده که خواندن آنها خالی از لطف نبود ه و شخص را به وجد می‏آورد.به همین سبب انوشروان دستور داد تا در سرتاسر ممالکی که تحت فرمانروایی‏اش قرار داشتند، گشته و مردی را که بهتر از دیگران زبان هندی و پهلوی پارسی می‏داند، بیابند.در آخر، مأموران پادشاه، برزویه طبیب را-که نسبت به همه اطباء و فضلای دربار و دانشمندان مملکت برتری داست-یافته و به حضورش آوردند.شاه به برزویه چنین گفت:«در مملکت هند کتابی است با روایتهایی از زبان جنوران و حشی و مرغان و ماکیان که می‏خواهیم آن را به این دیار آورده به زبان پارسی برگردانی؛برای این منظور هر اندازه، زر و مال، لازم باشد در اختیار تو خواهیم گذارد.»برزویه انجام این مهم را پذیرفت و شاه نیز به خزانه‏دار خود دستور داد پنجاه کیسه، هر کیسه محتوی ده هزار دینار در اختیار وی بگذارند.

برزویه به هند رفت و پس از تحمل رنج و مشقات فراوان، کتاب مورد نظر را یافت و به ترجمه آن مشغول گردید.بدین طریق کلیله و دمنه از زبان هندوان به زبان پهلوی برگردانیده شد 14 .

امروزه کتاب کلیله و دمنه مشتمل بر شانزده باب گردیده که نسخه اصل‏[هندی‏]آن ده باب داشته است(پنج باب از پنجه تنتره و پنج باب از مهابهارته و مآخذ دیگر)و ایرانیان با مهارت خاصی شش باب بر آن افزوده‏اند که به نظر می‏آید سه باب آن در عهد انوشروان اضافه شده باشد؛ولی نسخه سریانی شامل همان ده باب است.قدر مسلم آن است که نسخه سریانی از متنی به مراتب کاملتر و قدیم‏تر از نسخه سانسکریتی-که امروزه موجود است-ترجمه گردیده و همین موضوع اعتبار این نسخه را دو چندان کرده و آن را کتابی منحصر به فرد و بسیار با ارزش و معتبر نموده است 15 .

داستانهای کلیله و دمنه را فیلسوفی هندی به نام بید پای(پیل پای)-که در زبان عربی بیداوا می‏گویند 16 -برای پادشاهی به نام دبشرم یا دبشلیم(رای و برهمن)نقل کرده است و عقیده چنین است که این داستانها ابتدا از زبان هندی به زبان پهلوی پارسی ترجمه شده و نسخه سریانی آن، برگردان نسخه پهلوی پارسی است.پس از دو قرن، ابن مقفّع آن را از زبان پارسی به تازی برگرداند؛در آخر توسط نصر الله منشی از عربی به فارسی امروزی ترجمه گردیده است.

حاشیه‏1)سردنیس راس 17 -خاور شناس معروف انگلیسی-داستان رفتن برزویه به هند و آوردن کلیله و دمنه به ایران، و ترجمه آن را ساخته و پرداخته ابن مقفّع دانسته، چنین می‏گوید:«ابن مقفّع که خود ایرانی الاصل بوده با جعل این داستان می‏خواست برای هموطنان ایرانی خود اعتبار و افتخار کسب نماید.»

آقای دکتر فتح الله مجتبایی، -محقق پرارج و بلند مقام ایرانی عطی مقاله‏ای تحت عنوان«ملاحظاتی درباره اعلام کلیله و دمنه» 18 در رد نظر سردنیس راس می‏نویسد:«در اواسط قرن ششم میلادی داستانهای کلیله و دمنه به وسیله برزویه طبیب، از یکی از زبانها هندی به زبان پهلوی و در همان روزگار نیز به سریانی ترجمه شد؛ دو قرن بعد، یعنی در اواسط قرن دوم هجری به دست عبداله بن مقفّع و سپس توسط عبداله بن هلال الاهوازی، از زبان پهلوی به زبان تازی در آمد.گر چه متن پهلوی این کتاب در نخستین سده‏های اسلامی از میان رفت، امروزه ترجمه سریانی و ترجمه عربی ابن مقفّع در دست است؛از روی همین ترجمه‏ها و مقایسه آنها با روایات موجود پنچه تنتره می‏توان تا حدودی به چگونگی ترجمه پهلوی پی برد.

حاشیه‏2)سردنیس راس معتقد است، ابن مقفّع نسخه زبان سریانی را برای ترجمه انتخاب کرده؛و اساسا تا آن تاریخ ترجمه‏ای از کلیله و دمنه به زبان پهلوی وجود نداشته است.در ضمن آقای دکتر ذبیح الله صفا در کتاب«تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی» 19 درباره ابن مقفّع چنین می‏نویسد:«...وی لهجه را به خوبی می‏دانست و عربی را نیز در محیط زندگی خود، بصره-که از مراکز مهم ادبی عراق بود-فرا گرفت و در هر دو زبان استاد شد...تا آنجا که اطلاع داریم ابن مقفّع غیر از پهلوی و عربی، زبان دیگری نمی‏دانست بنابراین بایستی کتب مذکور را از زبان پهلوی به عربی بر گردانده باشد.» 20

کتاب کلیله و دمنه به خاطر شیرینی مطالب و مضامین حکمت آمیز، علاقه مندان فراوانی دارد و طی قرون متمادی، یکی از پر خواننده‏ترین و مقبولترین کتابهای عالم شناخته شده است و علاوه بر زبانهای فارسی، آشوری(سریانی)، عربی به زبانهای دیگر نیز، ترجمه گردیده، از آن جمله یک روحانی یهودی به نام رابی یوئیل 21 و بعدها، دانشمند دیگری به نام یعقوب بن الیازار آن را به زبان عبری در آوردند.علمای دیگری چون ژان دوکاپو 22 در سال 1263 میلادی و در نبورگ 23 آن را به زبان لاتین ترجمه کردند و ترجمه دیگری توسط ریموند دوبزیه 24 نیز به لاتین صورت گرفت، منتها این ترجمه از روی متن قدیمی نسخه‏ای به زبان اسپانیولی تهیه شده است.

دوبزیه بنا به دستور ملکه اسپانیا اقدام به ترجمه کلیله نمود.ترجمه دیگری به زبان لاتین، بانضمام متن یونانی، کار سیمئون ست 25 که در سال 1697 م صورت گرفته و در برلین به چاپ رسیده نیز، مشاهده گردیده است.

یک ایرانی به نام داود بن سعید اصفهانی-که در فاصله سالهای 1640 تا 1644 م به عنوان مترجم رسمی زبان فارسی در استخدام لویی سیزدهم امپراتور فرانسه بوده است -با همکاری جوانی فرانسوی به نام ژیلبر گولمن 26 کلیله را به فرانسه برگردانده و در سال 1644 م در پاریس به چاپ رسانده است.سپس در سال 1724 م گالاندو 27 آن را به زبان فرانسه ترجمه نمود؛در سال 1826 م اسقفی به نام دوبوا 28 مستقیما کلیله را، از نسخ زبان اصلی(یعنی سانسکریت متأخر)به زبان فرانسوی در آورد.به طور کلی کلیله تا به امروز به دهها زبان دیگر نیز ترجمه شده که ذکر همه آنها از حوصله این مقاله خارج است و ما در این جا به نسخی اشاره خواهیم کرد که به زبان سریانی و یا متن سریانی، همراه با ترجمه آن به چاپ رسیده باشد.

اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، دانشمندان آلمانی به زبان، ادبیات و تاریخ آشوریها تمایل فوق العاره‏ای نشان دادند و اکثر شرق شناسان آلمانی-که شهرت جهانی دارند عدر این زمینه، تحقیق و مطالعه داشته‏اند و تعدادی از آنان کتاب کلیله و دمنه را مستقیما از زبان آشوری به زبان آلمانی ترجمه و منتشر کردند که در زیل به ذکر کارهای آنان می‏پردازیم.

مستشرق آلمانی، گوستاو بیکل، پس از دریافت نسخه رونویسی شده کلیله سریانی، آن را ترجمه و همراه با متن و مقدمه ماهرانه تئودور بنفی، به سال 1876 م در لیپزیک منتشر ساخت.این کتاب که حاصل سالها کوشش و نتیجه همکاری مشترک این دو خاور شناس نامدار آلمانی است، در 406 صفحه و تحت عنوان‏ KALILAG UND DIMNAG ق چاپ رسیده است 29 .

کارل ادوارد زاخو 30 در کتابخانه سلطنتی برلین، نسخ خطی دیگری کشف نموده و ثابت کرد که«پریودت بود»در ترجمه خود مستقیما از متن زبان اصلی، یعنی سانسکریت استفاده کرده است.

لوئی بلومنتال 31 در چهل و چهارمین شماره مجله‏ZEITSCHRIFT DER DEUTSCHEN MORGENLANDISCHEN GESELLSCHAFT ZEITSCHRIFT DER ، که در سال 1890 م منتشر شده، مطالب بسیار جالبی درباره کلیله و دمنه، اثر آقایان بیکل و بنفی نوشته است.

یوهانس هرتل 32 ، درباره نسخه سریانی کلیله و دمنه در بیستمین شماره مجله VIENNA ORIENTAL JOURANAL که در سال 1906 م در پایتخت اتریش منتشر شده، مفصلا انتقاد به عمل آورده است.

یکی از علمای شهیر آلمان به نام فردریک شولتز 33 پس از سالها مطالعه و تحقیق، کلیله را در دو جلد تحت عنوان‏ KALILA UND DAMNA SYRISCH UND DEUTSCH دروین به چاپ رساند و به سال 1911 م در برلن، توزیع و منتشر نمود.جلد اول این کتاب 214 و جلد دوم 272 صفحه دارد و چون مستقیما از ترجمه قدیمی سریانی«بود»برگردانده شده و در متن آن تصمیماتی به عمل آمده-بخصوص در مورد روشن شدن نامهای به کار رفته در کتاب، اظهار نظرهای مفید و جالبی وجود دارد-لذا این کتاب، در مقام مقایسه با کتب مشابه، مقام ممتازی را داراست.

شولتز می‏نویسد در نسخ ترجمه شده به عربی و فارسی، نام گاوی را که به دست شیر کشته می‏شود، شتر به 34 نوشته‏اند ولی در کلیله سریانی شنزبه 35 -که صحیح‏تر است- آمده و نام مرغ دریایی طیطوی، به صورت طیطوس ترجمه شده است.یوهان شیلفر 36 در مقاله‏ای تحقیقی که به سال 1912 م در وین منتشر ساخته، به بررسی و مطالعه دقیق و عمیق کلیله و دمنه شولتز پرداخته و مطالب مبهم آن را واضح و روشن ساخته است.

و اما تئودور نولدکه 37 خاور شناس شهیر و آسوری شناس بر جسته آلمانی، مستقلا اقدام به انتشار متن و ترجمه دو باب بسیار معروف«شاه موشان و وزرایش»و«کبوتر و روباه»نمود، که در شهر گوتینگن به سال 1879 م در 68 صفحه منتشر گردید.

در رأس دانشمندان انگلیسی ویلیام رایت 38 -مؤلف معروف کتاب تاریخ ادبیات آشوری-قرار دارد.نامبرده نمونه‏ای از کلیله و دمنه زبان آشوری را که ترجمه نسخه عربی ابن مقفّع بود عینا به انگلیسی بر گردانده و منتشر نمود.این اثر در مجله سلطنتی آسیایی، در لندن منتشر شد 39 .همین دانشمند بار دیگر، در سال 1884 م اقدام به انتشار کلیله و دمنه آشوری در شهر دانشگاهی اکسفورد نموده است 40 تحت عنوان:

THE BOOK OF KALILAH AND DIMNAH,TRANSLATED FROM ARABIC INTO SYRIAC.

داستانهای بید پای کتابی است از دانشمندان دیگر انگلیسی به نام کیت فالکونر 41 که در سال 1885 م در کمبریج است به انتشار آن زده است و شامل متن کلیله و دمنه زبان سریانی با ترجمه انگلیسی ان، تحت عنوان ذیل است:

KALILAH AND DIMNAH:OR THE FABLES OF BIDPAI.

گفته می‏شود، در ترجمه انگلیسی این کتاب غلطهای فاحشی وجود دارد که قسمتی، ناشی از حاشیه پردازی مترجم و بخشی نیز مربوط به اصل نسخه سریانی است که مطالبی بر متن آن افزوده شده است.

نسخه سریانی کلیله و دمنه، پس از مدتی از کتابخانه کلیسای کاتولیکهای شهر ماردین به موصل انتقال یافت؛اما مدت طولانی در موصل باقی نماند؛زیرا توسط کشیشی فرانسوی به نام منسنیور رنه گرافین 42 به اروپا برده شد.دانشمند بزرگ و بلند آوازه فرانسوی، فرانسوا نو 43 درباره همین نسخه دستنویس و بی همتا، تحت عنوان«نسخه قدیمی سریانی کلیله و دمنه»، مطالبی نوشته، که در«مجله مسیحیان مشرق زمین» 44 به چاپ رسیده و حاوی نکته‏های جالبی است.

**نسخ سریانی کلیله و دمنه**

به طور دقیق نمی‏توان گفت داستانهای کلیله و دمنه در چه تاریخی سروده شده 45 و آشوریها از چه تاریخی به این داستانها راغب گردیده و آنها را به زبان اشوری ترجمه کرده‏اند؛اما قدیمی‏ترین نسخه‏ای که اینک در دست است، همان ترجمه«پریودت بود» است که در اواسط قرن ششم میلادی صورت گرفته است 46 .به عقیده آرسنامی 47 ، «بود» در دوران پادشاهی خسرو انوشیروان و تحت سر پرستی اسقف اعظم«جزقیل» 48 می‏زیسته و در سال 570 میلادی موفق به اتمام ترجمه سریانی کلیله گردیده است.

اسقف عبد ایشوع-که قبلا ذکری از ایشان به میان آمد، از اساقفه عیسوی است که در قرون وسطی می‏زیسته-ترجمه«پریودت بود»را نپسندیده و بر آن ایراداتی وارد دانسته؛ بنابراین شکی نیست که خود عبد ایشوع نیز کتاب کلیله و دمنه را به زبان آشوری برگردانده یا حد اقل با نسخه مطمئنی که در دست داشته، مطابقت داده است 49 .

در قرن دهم یا یازدهم میلادی کشیشی آشوری، نسخه عربی ابن مقفّع را به زبان آشوری ترجمه کرد و این همان نسخه‏ای است که توسط ویلیام رایت انگلیسی در کتابخانه«کالج ترینیتی شهر دوبلین» 50 کشف و در سال 1884 م منتشر گردید 51 .

نسخه خطی دیگری که مربوط به قرن دهم یا یازدهم می‏باشد، و دو یا سه قرن بعد (گویا در قرن سیزدهم)قسمتهایی بدان اضافه شده، کشف گردید که بسیار اصیل است. ساییدگی بیش از حد اوراق آن، نشان می‏دهد که در طول سالیان دراز توسط عده‏ه کثیری مورد استفاده قرار گرفته و به نظر خبرگان، این نسخه از نسخ مشابه دیگری کهک از زبان عربی ترجمه شده‏اند، مقام بالاتری دارد؛حتی می‏توان گفت:معتبرتر از نسخه‏ای ا ست که مورد استناد دانشمند فرانسوی بارون سیلوستر دو ساسی قرار گرفته؛زیرا مطالبی که در نسخ ارائه شده توسط دو ساسی و هم چنین مستشرق معروف ایتالیایی گیدی 52 دیده نمی‏شود، در نسخه زبان آشوری فوق الذکر وجود دارد 53 .

هنگامی که ماریوسف اودو 54 اسقف کاتولیکهای ناحیه القوش 55 جهت شرکت در جلسات مجمع کلیسایی به رم سفر کرد آقایان بنفی و بیکل به ملاقاتش شتافتند و در مورد نسخ احتمالی کلیله و دمنه سریانی موجود در ناحیه القوش با وی به مذاکره پرداختند. ماریوسف اودو چون از شدت علاقه این دو دانشمند به نسخ کلیله به زبان آشوری با خبر گردید به شدت تحت تأثیر قرار گرفت و با اطلاعات جامع و سودمندی که نامبردگان در مورد کلیله به وی دادند، شیفته و مضامین کلیله و دمنه گردید و چون به مسقط الرأس خود عودت نمود، برادر زاده خود را که در سلک روحانیان مذهب کاتولیک قرار داشت به ترجمه کلیله و دمنه، تشویق و ترغیب نمود.برادر زاده وی توما اودو 56 نام داشت و به دلیل مهارتی که در زبانهای سریانی قدیم و جدید(آشوری قدیم و جدید)و عربی داشت، بدون کمترین مشکلی آن را ترجمه و در سال 1895 میلادی، در چاپخانه فرقه مذهبی دو مینیکنهای 57 شهر موصل به زبان آشوری قدیم(که آن را زبان ادبی آشوری نیز می‏گویند)به چاپ رسانید.

استقبال کم نظیر و غیر قابل انتظاری از این کتاب به عمل آمدو چون در این زمان «اودو»اسقف شهر ارومیه و توابع آن بود لذا تصمیم به انتشار مجدد آن گرفت و برای اینکه قابل فهم اکثریت مردم این دیار باشد، آن را به زبان محاوره‏ای(سریانی جدید یا آشوری جدید)ترجمه و در چاپخانه لازاریستهای کاتولیک شهر ارومیه به سال 1908 م به چاپ رسانید.

در اینجا عین نوشته استاد بزرگ و ارجمند-کلیله و دمنه شناس معروف ایران- محمد جعفر محجوب، استاد عالی مقام دانشگاه تهران، که از کتاب بسیار معروفش درباره کلیله و دمنه اقتباس گردیده، نقل می‏گردد 58 :

«علاوه بر ترجمه‏های قدیم و جدید سریانی کلیله و دمنه، ترجمه دیگری از این کتاب به زبان سریانی صورت گرفته، که آخرین ترجمه به شمار می‏رود.این ترجمه در قرن نوزدهم میلادی به عمل آمده و کشیش عالی مقام آسوری«توما اودو»-که اسقف کلدانیان ارومیه(رضائیه)بود-آن را از روی ترجمه کلیله و دمنه عربی ابن مقفّع به سریانی جدید یا زبان آسوری در آورده و در 1895 میلادی در شهر موصل به طبع رسانده است.این کتاب، پانزده باب است که به رسم الخط نسطوری(یا سریانی شرقی)و با چاپ سنگی در چاپخانه آباء دومینیکن به قطع جیبی چاپ شده است.»

استاد درباره چاپ جدید که در ارومیه صورت گرفته می‏نویسند:«زبان و ترجمه این نسخه با زبان نسخه‏های دو گانه قبلی کاملا متفاوت است و این زبان که آن را سریانی چدید می‏نامند، در واقع زبان زنده آسوری است که اقلیت کلدانیان و آشوریان ایران بدان سخن می‏گویند.» 59 .

کشیش یوسف بیت قلیتا، یکی دیگر از علما و فضلای بنام کلیسای شرق آشوری که به مجموعه داستانهای کلیله و دمنه، علاقه فراوانی داشت، در سال 1935 م کتابی در 135 صفحه تحت عنوان مقدمه‏ای بر کلیله و دمنه به زبان آشوری نوشت و منتشر ساخت و سال بعد یعنی 1936 م، کلیله و دمنه را به زبان آشوری جدید(زبان محاوره‏ای)ترجمه و در چاپخانه شخصی خود واقع در شهر موصل عراق به چاپ رسانید.

علاوه بر آنچه گذشت، ذکر این مطلب ضروری است که نسخ دیگری از کلیله و دمنه ترجمه شد، به زبان آشوری در کنج کتابخانه‏های متعدد و بزرگ جهان، وجود دارد که هنوز اقدامی در جهت شناسایی و معرفی آنها نگردیده، با وجود اینکه اکثریت قریب باتفاق دانشمندان اروپا، داستانهای شیرین بید پای هندی را مستقیما از روی نسخ خطی زبان آشوری ترجمه کرده‏اند[در مورد صحت این ترجمه‏ها]جز اصالت ترجمه و رعایت امانت، در انتقال مطالب-که غالب مترجمین زبان سریانی(بخصوص پریودت بود)آن را به طور کامل مراعات نموده‏اند-به چیز دیگری نمی‏توان استناد نمود.

**پی‏نوشت‏ها و مآخذ**

(1). Gottingen Univesity

(2). Wright,William,A Short History of Syriac Literature.Amsterdam,6691,p. 921

(3). Periodeutes Bodh

(4). Abo Isho

(5). Assemanus,J.S,Bibliotheca Orientalis Clemention Vaticana.Tomi Tertll, Pars Prima,P.911

(6). Gustav Bickell

(7). Theodore Benfey

(8) Baron Sylvester De Saucy .

(9). Max Muller

(10).محجوب، م.ج.درباره کلیله و دمنه، (تهران، خوارزمی، 1349)ص 69 .

(11). Albert Socin

(12).پیشین، ص 66.

(13). Mardin

(14).بید پای.داستانهای بید پای.ترجمه محمد بن عبد الله البخاری، تصحیح پرویز ناتل خانلری؛محمد روشن.(تهران، خوارزمی، 1361).

(15).ایندو شکیهر.پنچاتنترا.(تهران، دانشگاه تهران، 1341)شماره 710.

-مقاله محمد جواد مشکور.«مقایسه اجمالی پنچاتنتر، با ترجمه‏های سریانی، عربی، پارسی».

(16).توما اودو.کلیگ و دمنگ.مقدمه کتاب به زبان آسوری.(ارومیه، 1908).

(17). Sir Denison Ross

(18).قتح الله مجتبایی.«ملاحظاتی درباره اعلام کلیله و دمنه».زبان شناسی.ش 2.(مرکز نشر دانشگاهی، 1363).

(19).ذبیح الله صفا.تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی.(تهران، دانشگاه تهران، 1331).ص 56-58.

(20).سیریل الگود.تاریخ پزشکی ایران.ترجمه محسن جاویدان.(تهران، شرکت بنی اقبال و شرکا، 1352).

-سیریل الگود.تاریخ پزشکی ایران و سرزمینهای خلافت شرقی.ترجمه دکتر باهر فرقانی. (تهران، امیر کبیر، 1356).

(21) Rabi Joel .

(22). Jean De Capoue

(23). Derenbourg

(24). RaymonD De Beziers

(25). Simeon Seth

(26). Gilbert Goolmann

(27). Galando

(28). Abbe Du Bois

(29). Bickell,G.Kalliag Und Dimnag,Altesyrische Ubersetzung...Mit Einer Einleitung Von Theodore Benfey.Leipzig,6781.

(30). Carl Edvard Sachau

(31). Louis Blumenthal

(32). Johanes Hertel

(33). Fredrich Schulthess

(34). Shatrabeh

(35). Shanzabeh

(36). Johanne Schleifer

(37). Theodore Noldeke

(38). Willam Wright

(39). Jourmal of Royal Asiatic Society,Vol.No 7.London 5781.A Specimen of a Syriac Version OF the Kalilah wa Dimnah.

(40). Encyclopaedia Briannica.Vol xxll,7881.Syriac Literature.An Article by Willlahm Wright.

(41). I.G.N.Keith-Falkoner

(42). Rene Leger Marie Graffin

(43). Francois Nau

(44). Franxois Nau,Revue De L''Orient Chretirn.Deuxieme Serie,Tom 6''(61). Paris,1191.pp.002-402.

(45).در دایرة المعارف آمریکانا، چاپ سال 1963 جلد سوم، ص 687، آمده است که کلیله و دمنه احتمالا در سده سوم میلادی سروده شده و اصل کتاب به زبان سانکسریت امروزه در دست نیست، اما کتب دیگری که متأخرترند به نامهای پنجه شنترا و هیتو پارسا موجود می‏باشند.

 (46).در کتاب انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، تألیف دلیسی اولیری، ترجمه احمد آرام. (دانشگاه تهران، 1342)ص 9-108 چنین آمده است:«پزشکان یونانی برای بعضی از گیاهان که تنها از هند بدست می‏آید، اهمیت و خواص فراوان قائل بودند، و به همین جهت خسرو اول، مردمی را به نام«بذ»که طبیب سیاح مسیحی، یا کشیش دهستانها بود، مأمور کرد برای جمع آوری گیاهان طبی به هند سفر کند.به این «بذ»کتابی منسوب است به نام الف میگن که آن را تفسیری از کتاب اول ارسطو دانسته‏اند و نسخه آن در دست نیست و نیز نسخه سریانی مجموعه‏ای از داستانهای هندی(بودایی)به نام کلیلک و دمنک، به او منسوب است و چنانکه عبد ایشوع گفته است، هیچ احتمال آن نمی‏رود که«بذ»این کتاب را از اصل هندی آن به سریانی ترجمه کرده باشد، و بی شک ترجمه وی از روی نسخه پهلوی یا فارسی آن بوده است.

(47). Arsenami

(48). Hezghiel یا Ezechiel

(49). Moss,Cyril.Catalogue of Syriac Printed Books and Related Literature in the British Museul.pp.891-9,London.2691.

(50). Trinity College Dublin

(51). Wright,w.A Short History of Syriac Literature.Amesterdam,6691,p.042.

(52). Ignazio Guidi.

(53). Wright.w.Syriac Literature.p.042 -Guidi,I.Studii Sul Testo Arabo Del Libro Di Kalila e Dimna.3781.

(54). Mar Joussouf Audo.

(55). Alkosh.

(56). Mgr.Thomas Audo.

(57). Dominicains.

(58).محجوب، م.ج.درباره کلیله و دمنه.چاپ دوم.(تهران، خوارزمی، دی 1349).ص 78.

(59).پیشین، ص 79.

پایان مقاله